



گفتگو با «آندرانیک تیموریان» پای درخت کاج

خدا مرا سورپرایز می کند!

بی شک او و فوتبالش را می شناسید. آندرانیک تیموریان از حدود ۶ سال پیش که به اردوی تیم ملی فوتبال ایران دعوت شد و در جام جهانی به میدان رفت برای مردم ایران بیش از پیش شناخته شد. فوتبالیستی تمام عیار چه به لحاظ فیزیکی و چه فنی. یکی از فوتبالیست های ارامنه ایران که توانسته راه دیگر ارامنه فوتبالیست ایران در سطح اول این ورزش را به خوبی ادامه دهد. او روزی که با جوانان امروز حرف می زد خودش را برای نشستن پای درخت کاج آماده می کرد و انتظار ساعت ۱۲ نیمه شب را می کشید تا وارد سال ۲۰۱۲ میلادی شود. از خودش، گذشته اش و آینده اش پرسیدم و او نیز در کمال آرامش با ما سخن گفت. سال جدید میلادی بر تمام هموطنان مسیحی مبارک باد.

سال نو مبارک.

منون. امیدوارم سال خوبی برای من، خانواده ام و همه مسیحیان ایران و جهان باشد.

۲۰۱۱ را چطور سپری کردی؟ تفاوتش با ۲۰۱۰، ۲۰۰۹ و سال های قبل از آن چه بود؟

سال خیلی خوبی داشتم. من از اواخر سال ۲۰۱۰ به ایران و تراکتورسازی برگشتم و توانستم از اواخر فصل بهار کنار خانواده ام باشم و این اتفاق پس از چندین سال دوری از آنها برایم لذتبخش بود و خیلی مرا خوشحال کرد. این اتفاق بزرگترین رویداد سال ۲۰۱۱ میلادی برایم بود و امیدوارم که امسال (۲۰۱۲) هم برایم به همین شکل خوشحال کننده و سرشار از این قبیل اتفاقات باشد...

... و اتفاقات خوب دیگر؟

خب من به استقلال آمدم و تیم من در لیگ برتر قهرمان نیم فصل در سال ۲۰۱۱ شد و همچنین در سال ۲۰۱۱ توانستیم با استقلال به فینال جام حذفی برسیم. این دو اتفاق هم برایم در سال ۲۰۱۱ رخ داد که خیلی شیرین و دلچسب بود...

کار کردن با کی روش چطور؟

خب! مسلم است که آن هم جزو اتفاقات خوب سال ۲۰۱۱ برای من بود. اینکه توانستم در ششمین سال حضورم در تیم ملی شاگردی یکی از مربیان بنام و صاحب سبک جهان را هم تجربه کنم و همچنین همراه تیم ملی ایران از مرحله مقدماتی جام جهانی صعود کنیم، بسیار موفقیت آمیز بود.

یک گل زیبا هم در سال ۲۰۱۱ زدی!

دقیقاً شاید آن گل و مشابه آن را هرگز در فوتبال نزده بودم. یک گل خیلی زیبا که برای آندرانیک تیموریان بسیار زیبا و لذتبخش بود. آن گل البته فقط برای من شیرین و زیبا نبود و فکر می کنم برای تمام مردم ایران چنین بود.

فکر می کنی ایران به مرحله پائینی جام جهانی ۲۰۱۴ در خرداد ماه سال آینده صعود می کند؟

همه چیز برای صعود ایران مهیاست و فکر نمی کنم با این تیم و این سرمربی نتوانیم به جام جهانی صعود کنیم.

سال جدید را چطور می بینی؟

قطعاً هر سال با روش زندگی انسان رنگ و بوی دیگری می گیرد. اگر بخواهیم منتظر اتفاقات خوب بنشینیم و هیچ کاری نکنیم ضربه احتمال رخ دادن چنین اتفاقاتی (مثبت) خیلی پایین می آید اما با تلاش و میل به پیشرفت این احتمال بیشتر و بیشتر می شود. من مطمئن هستم که خداوند همیشه آندرانیک تیموریان را دوست داشته و باز هم دوست دارد و در سال ۲۰۱۲ هم مرا سورپرایز خواهد کرد.

بهترین اتفاق ممکن در سال ۲۰۱۲ برایت چیست؟

همین که سال جدید هم کنار خانواده ام هستم خیلی ارزشمند است. من در طول سال های گذشته همواره در این ایام ایران نبودم و یا خیلی کوتاه می آمدم و برمی گشتم اما الان این فرصت را دارم که هر لحظه کنار خانواده ام باشم و آنها را ببینم.

این عامل تا چه حد در پیشرفت چشمگیری طرف ماه های اخیر تأثیر داشته؟

صد درصد بی تأثیر نبوده است. من وقتی کنار خانواده ام هستم خیلی راحت تر به کارهایم می رسم و همین که خیالم بابت مسائل داخل خانه راحت است خیلی کمک می شوم تا بیشتر ذهنم را متمرکز کارهایم کنم.

شکستگی انگشت پایت هم از اتفاقات سال ۲۰۱۲ بود؟

بله. درست دو روز مانده به پایان ۲۰۱۱ در مصاف با شهرداری یاسوج انگشتم شکست و حسابی حالم را گرفت.

چطور؟

چون نتوانستم استقلال را در بازی های مهم نیم فصل دوم همراهی کنم.

پس این خاطره بدت از سال ۲۰۱۱ شد؟

دقیقاً همینطور است، اما خوشحالم که این مساله در سال کهنه اتفاق افتاد و امیدوارم در سال ۲۰۱۲ شاهد چنین مسائلی نباشم.

خواهرزاده یا برادرزاده ای داری که برایشان عیدی خریده باشی؟

بله. هم خواهرزاده دارم و هم برادرزاده. برای آنها هم عیدی گرفته بودم و دادم.

پدر و مادرت در قید حیات هستند؟

پدرم فوت کرده اما مادرم حالا جای خالی او را هم بریمان پر می کند.

چه برنامه ای برای سال جدید در ارتباط با مادرت داری؟

همانطور که می دانید همانقدر که پدر در یک خانواده زحمتکش است و فداکاری می کند مادر هم به همان میزان زحمت پرورش بچه ها را تحمل می کند و خم به ابرو نمی آورد. مادر من هم گل سرسبد خانواده تیموریان است و امیدوارم در سال ۲۰۱۲ هم بتوانم همراه با دیگر خواهر و برادرانم شرایط خوبی را برایش فراهم کنیم. من هم به تنهایی هر کاری از دستم برآید برایش انجام خواهم داد.

کمی هم از خودت بگو و اینکه تولد خودت چه روزی است و امسال چند ساله می شوی؟

من متولد ۱۵ اسفند سال ۱۳۶۱ در تهران هستم و در سال ۲۰۱۲، سی ساله خواهم شد.

* از آرزوات شروع کردی؟

بله. از نوجوانان آرزوات. آن زمان به مدت ۲ سال به طور مشترک در تیم های نوجوانان و جوانان آرزوات توپ زدم و پس از آن هم به باشگاه استقلال پیوستم.

* از استقلال به کدام تیم ها رفتی؟

دوران خدمتم را در عقاب توپ زدم و از آنجا به ابومسلم خراسان پیوستم. سپس به بولتون انگلیس رفتم و بعد با فولام قرارداد دو ساله بستم که در آن میان مدتی هم به صورت قرضی به تیم برنلی رفتم و بعد هم که به تراکتورسازی تبریز پیوستم و از فصل جاری هم در خدمت استقلال هستم.

* چه شد که فوتبالیست شدی؟

در خانواده ما همه اهل فوتبال بودند. پدرم و برادران بزرگترم هم فوتبال بازی می کردند و من هم از بچگی دوست داشتم مثل آنها فوتبالیست باشم.

* پست تخصصی ات چیست؟

هافبک دفاعی. البته بیشتر میل به گلزنی و بازی در پشت سر مهاجمان را هم داشتم، اما کم کم در همین پست جافتادم و پشت سر هافبک های نفوذی قرار گرفتم.

* دوست داشتی در کدام لیگ توپ بزنی؟

در لیگ اسپانیا. آن زمان که اوساسونا دنبال جذب یک هافبک دفاعی آسیایی بود روی من و نکونام نظر داشتند که در نهایت جواد را انتخاب کردند.

* چند خواهر و برادر داری؟

سه خواهر و دو برادر دارم.

* فرزند چندمی؟

من بچه آخر خانواده هستم و از همه کوچکترم.

* چقدر درس خواندی؟

دیپلمه هستم.

* چطور؟

خیلی دوست داشتم تحصیلاتم را ادامه بدهم اما به خاطر حضور مداوم در اردوهای باشگاهی و ملی طی سال های پس از اخذ دیپلم دیگر نتوانستم درس بخوانم و حالا دنبال یک فرصت هستم تا تحصیلات دانشگاهی را شروع کنم.

* اهل موسیقی هم هستی؟

بله. گوش می دهم. موزیک آرام و لایت.

* ساز نمی زنی؟

خیر. خیلی دوست داشتم نواختن گیتار را بیاموزم اما هرگز فرصت آموختن نداشتم.

* زندگی در انگلیس چطور بود؟

من از لندن شلوغی و هوای ابری و بارانی اش را به یاد دارم. مثل تهران خودمان مردم دائم در رفت و آمد هستند و هر کسی سرش به کار خودش گرم است، اما در کل شهر تمیز و شلوغی است.

* چیزی هست که از آن بترسی؟

از عقبتم. دوست دارم عقبت به خیر شوم.